

## سهم هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن بررسی چند نگاره مربوط به هنرمندان ایرانی فعال در دربار مغول

نرگس صفرزاده

### چکیده

مرقع گلشن یکی از مهم‌ترین مجموعه نقاشی و خط نوشته‌های دوران مغول است که بیشترین بخش آن در کاخ موزه گلستان در تهران نگهداری می‌شود و باقی برگ‌هایش در سراسر دنیا پراکنده است. اهمیت بی‌نظیر این مجموعه در مقایسه با سایر نسخ خطی و نگارگری در این است که در این آلبوم با مجموعه‌ای از بهترین آثار نقاشان و خوشنویسان روبرو هستیم که با ورود همایون پادشاه دربار هند به ایران، برخی از هنرمندان به دعوت او به هند مهاجرت نمودند و برخی نیز خود به هند رفتند. سهم این دسته از هنرمندان در رواج نگارگری و خوشنویسی دوران گورکانی مغول قابل توجه و بررسی فراوان است.

مرقع‌سازی در ایران در دوران تیموریان و صفویان رواج فراوانی داشت و برای به وجود آوردن آن می‌بایست تعداد زیادی از هنرمندان با یکدیگر همکاری می‌کردند. مرقع گلشن در دوران گورکانیان هند دوره پادشاهی همایون و اکبر شاه شروع و در دوران پادشاهی جهانگیر به اوج و کمال رسید. جهانگیر که خود علاقه زیادی به هنر داشت و حامی هنرمندان نیز بود دستور داد تا اوراق پراکنده مرقع به شکل منظمی که امروز دیده می‌شود، یک اندازه شوند و صفحات نقاشی شده را بر روی کاغذ ضخیم‌تر بچسبانند و حاشیه اطراف آن را نیز با آب‌طلا نقاشی (تذهیب- تشعیر) کنند.

کلمه فارسی «مرقع» به معنی مجموعه و آلبوم و به عبارت دقیق‌تر به معنای وصله است. وصله بدین جهت به آن اطلاق می‌شود که مانند لباس وصله‌دار صوفیان، نشانه‌ایی از فروتنی و فقر به همراه دارد. این کلمه به آسانی برای نامیدن مجموعه‌ایی چون مرقع گلشن به کار می‌رود. که شامل خط نوشته‌ها)

خوشنویسی) و نقاشی، حاشیه‌های تذهیب‌کاری و یا تشعیر، ترصیع و حل‌کاری<sup>۱</sup> در اطراف کاغذ نقاشی است. اغلب این صفحات و نسخ در دوران‌های مختلف تاریخی و به وسیله هنرمندان متعدد به وجود آمده‌اند.

### نقاشان ایرانی فعال در دربار مغول

از مهم‌ترین نقاشان ایرانی دربار شاه طهماسب در تبریز میرسید علی<sup>۱</sup> ق/۱۵۰۴م و عبدالصمد شیرازی<sup>۲</sup> ق/۱۵۱۴م ملقب به شیرین‌قلم بودند، که در سال ۹۵۰ ق/۱۵۴۳-۱۵۴۴م با ورود همایون پادشاه دربار هند به ایران، به دعوت او به هند مهاجرت نمودند.<sup>۳</sup> مهاجرت این دسته از هنرمندان ایرانی سهم به‌سزایی در شکل‌گیری مکتب هند و ایرانی و همچنین نقش مهمی در مصور کردن نسخ و مرقعات آن دوران را داشته است.<sup>۴</sup>

عبدالصمد در شیراز دیده به جهان گشود و در تبریز رشد و تعلیم یافت.<sup>۴</sup> او پسر خواجه نظام‌الملک وزیر شاه شجاع در شیراز بود. او و میر سید علی به کتابخانه سلطنتی هند راه یافتند و پایه‌گذار مکتب هند و ایرانی شدند.<sup>۵</sup> برخی از آثار عبدالصمد موجود در مرقع گلشن به قلم او رقم خورده است و برخی را می‌توان به او نسبت داد. در آثار اولیه او می‌توان تأثیر مکتب تبریز را به روشنی دید و در نقاشی‌های دوره بعدی او به خصوص در حمزه‌نامه می‌توان نوعی رئالیسم و واقعگرایی را مشاهده کرد. حمزه‌نامه مجموعه‌ی دوازده جلدی به سفارش اکبر شاه مصور شد و در بردارنده‌ی افسانه‌های مکتوب و حوادث تاریخی است. موضوعات نقاشی‌های عبدالصمد شامل صحنه‌ی شکار، دیدار در طبیعت و همچنین تصاویر اسب و مهتران می‌باشد. او لقب شیرین‌قلم را از همایون دریافت کرد. ابوالفضل علامی تاریخ‌نگار دربار اکبر در کتاب *آیینه اکبری* به لقب او «خواجه عبدالصمد شیرین‌القلم» نیز اشاره کرده است. در عبدالصمد یکی از نقاشی موجود در مرقع گلشن، عبدالصمد شکسته، قلم (منظور خط شکسته است) امضا نموده است. او قبل از اینکه به نقاشی بپردازد خوشنویس نیز بوده است.<sup>۶</sup>

عبدالصمد که در دربار همایون شاه و اکبر در ابتدا بیشتر به تدریس مشغول بود و خود سمت معلمی اکبر پسر همایون شاه را نیز به عهده داشت؛ بر این باور بود تا به اکبر جوان مکتب تبریز را آموزش دهد. «کما اینکه اکبر شاه جوان در ذیل یکی از کتاب‌های کتابخانه درباری به خط خود چنین نوشته است: در کابل

۱. اصطلاح تذهیبی نقوشی که با طلای حل کرده بر حاشیه کتاب می‌نگارند. (گلستان هنر، ص ۲۰۰)

2. Beach, Milo. Cleveland. *Early Mughal Painting* Asia Society, New York, 198, p8-9

3. Soucek, Priscilla P 1987 Article. Persian Artiest In Mughal India; Influences & Transformations. In Muqarnas IV: An Annual on Islamic Art and Architecture. Oleg Grabar, ed. Leiden: E.J. Brill, p166.

۴. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۳، ص ۳۳۰.

۵. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، مقدمه، ص ۴۵.

6. Canby, Sheila. *Humayun's Garden Party, Princes of the House of Timur and early Mughal Painting*, Marg Publications, 1994, p21.

من و پدرم هر دو تحت تعلیم عبدالصمد بودیم.»<sup>۱</sup> در یکی از این نقاشی‌ها او «مجلس همایون شاه و اکبر» (مرقع شماره ۷۰ سال ۱۵۵۵) شاهزاده جوان، نقاشی خود را به پدرش تقدیم می‌کند. احتمالاً نقاشی اهدا شده توسط عبدالصمد نقاش به شاهزاده جوان آموزش داده شده بود. این صحنه اشاره به ارتباط شاهزاده جوان اکبر و عبدالصمد دارد.<sup>۲</sup> «موقع شماره ۷۰ تصویر اکبر شاه و همایون است که همایون در طبقه بالا قرار گرفته است و نوازندگان و خدمتکاران در کنار وی دیده می‌شوند. از پله‌های باغ و درخت بزرگی که به استادی نقش شده منظره دلپذیری دارد در پایین اکبر شاه با دوستان و رفقای خود نشسته و به عیش پرداخته است. در بیرون قصر اسبان خوش‌تراش و خدمه‌های نگهبان و بکه‌تاز زیبا دیده می‌شود. تذهیب و آرایش تصویر در کمال نفاست است و به خط نستعلیق زیبا در میان ابیاتی که نام پادشاهان قید شده رقم دارد. تصویر خود نقاش نیز که گویا در حیاط خانه نشسته و با یکی از افراد پادشاهی صحبت می‌کند دیده می‌شود، که قلمدان و دفتری به دست داشته و روی زمینه زرد رنگ دفتر نوشته (الله اکبر عبدالصمد شیرین قلم)»<sup>۳</sup> در این اثر سبک اولیه مولانا عبدالصمد نقاش دیده می‌شود که متأثر از سبک تبریز است.



ت ۱: مرقع شماره ۷۰، اکبر شاه جوان نقاشی خود را به پدرش تقدیم می‌کند

۱. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۳، ص ۳۳۱.

2. Beach, Milo. Cleveland. *Early Mughal Painting* 'Asia Society, New York, 1987, p11.

۳. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۳، ص ۳۳۶.

سهم هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن... / نرگس صفرزاده

همچنین در بالای کتیبه این صفحه خوانده می‌شود:

خامه عبدالصمد ز روی سر

سپه شاه همایون و شاه اکبر را نگاشت



ت: ۲ مرقع شماره ۷۰

در این نقاشی رقم عبدالصمد نقاش مشهود می‌باشد که همایون شاه و اکبر شاه را تصویرگری کرده است.

و باز در قسمت انتهایی همین صفحه اشاره دارد که:

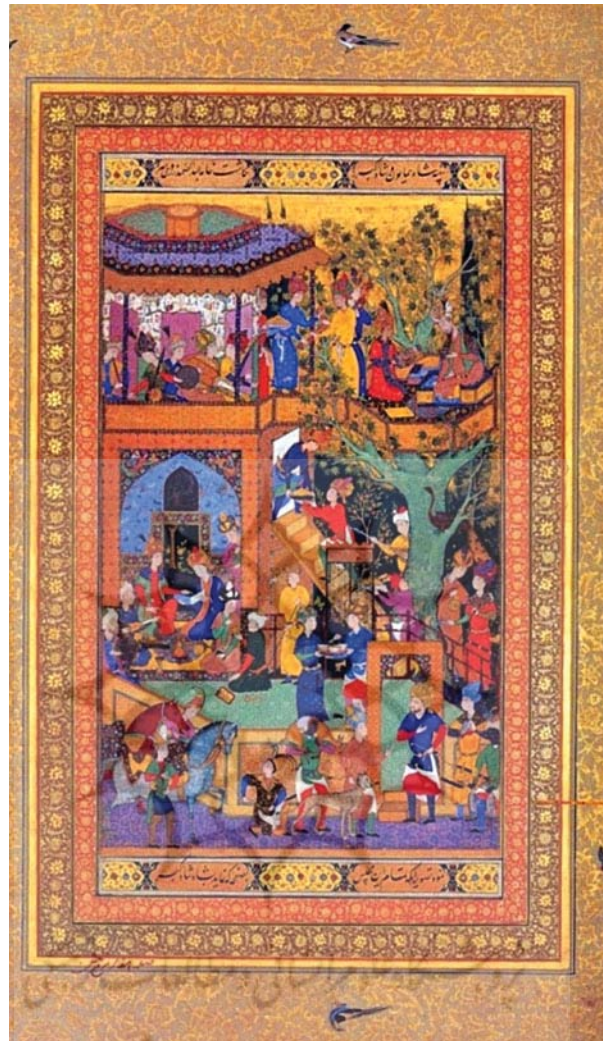
بصفحه که نماید بشاه شاه اکبر

نمود تصویر که تمام این مجلس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ت: ۳ مرقع شماره ۷۰



ت: ۴ «مجلس همایون شاه و اکبر»، اکبر شاهزاده جوان نقاشی خود را به پدر خود همایون شاه تقدیم می‌کند، عبدالصمد، ۹۶۳/۱۵۵۵، مرقع گلشن، شماره ۱۵۹، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

از دیگر نقاشی‌های عبدالصمد نقاش که در مرقع گلشن می‌توان به «مجنون در بیابان» اشاره نمود که در سال ۹۵۸ ق نقاشی شده است. در این نقاشی سبک اولیه عبدالصمد در هند دیده می‌شود، و ترکیب‌بندی کار بسیار ساده می‌باشد بدین گونه که خطاط جوان و شخص نوازنده‌ای را در بالای تصویر نشان می‌دهد. دستخط مولانا عبدالصمد شیرازی در این مرقع دیده می‌شود مبنی بر اینکه در نوروز سال ۹۵۸ ق/۱۵۵۱ م ساخته و نقاشی شده است. به احتمال زیاد این نقاشی در کابل کشیده شده است و لغت «ساخته» که

سهم هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن... / نرگس صفرزاده

معمولاً در ایران استفاده نمی‌شود متأثر از فارسی این منطقه می‌باشد. این نقاشی از دو بخش بالا و پایین تشکیل شده و در دو زمان متفاوت نقاشی شده است. قسمت بالا همان‌طور که یاد شد در تاریخ ۹۵۸ ق تصویر شده است. در بخش پایین نقاشی، مجنون و حیوانات را در صحرا مشاهده می‌کنیم که به روش و سبک تبریز نقاشی شده است.



ت: ۵: مرقع شماره ۱۵۸



ت: ۶: نوازنده و کاتب در دشت، عبدالصمد، ۱۵۵۱/۹۵۸ ق، مرقع گلشن، شماره ۱۵۸، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

سهم هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن.../ نرگس صفرزاده

این نقاشی هفت سال بعد از کار قبلی نقاشی شده است «عمل نوروزی مولانا عبدالصمد که در نیمروز از صبح تا وقت استوا ساخته» که مفهوم «نیمروز» در اینجا به معنی از صبح تا غروب است و لغت «نیمروز» را می‌توان به جنوب افغانستان نسبت داد.<sup>۱</sup> همچنین زمان کوتاه نقاشی، نشان از تبحر و مهارت نقاش دارد که در کمترین زمان اثری را خلق کرده است. در وسط نقاشی عبارت «پادشاه سلیم» را می‌بینیم که در واقع نقاشی برای او کار شده است.



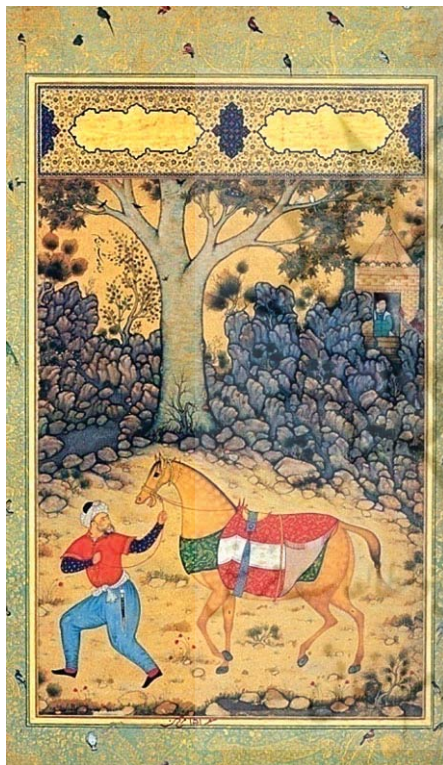
ت ۷: مرقع شماره ۱۵۹



ت ۸: مجنون در صحراء عبدالصمد، ۱۵۵۸م/ ۹۶۵ق، مرقع گلشن، شماره ۱۵۹، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

1. Canby, Sheila. *Humayun's Garden Party*, marg publication, p36.

از دیگر موضوعات تصویر شده در آثار عبدالصمد که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و محققان قرار گرفته است، می‌توان به اسب اشاره نمود. خانم شیلا کنبای متخصص هنرهای اسلامی موزه بریتانیا در لندن در مقاله‌ای به بررسی موضوع در اسب عبدالصمد پرداخته است. در برخی از آثار عبدالصمد، اسب موضوع اصلی کار اوست و در برخی دیگر به عنوان ترکیب‌بندی بخشی از کار آمده است. شاید تصویر اسب در آثار او نمادی از قدرت و نیروی باروری باشد و یا به نشانه علاقه و تمایل شخصی نقاش به اسب باشد. همچنان که ابوالفضل علامی تاریخ‌نگار دربار اکبر نیز در کتاب *آیین اکبری* اشاراتی در باب توصیف و ارزش نژاد و انواع اسب در اصطبل سلطنتی اکبر کرده است احتمالاً عبدالصمد نیز از وضعیت اسبان در اصطبل‌های سلطنتی آگاهی داشته و مستقیماً از آنان تأثیر گرفته است.



در تصویر ۹ «داماد، افسار اسب را در دست دارد» سبک صفوی کاملاً آشکار است و امضاء نقاش با عنوان «عبدالصمد شیرین‌قلم» را در پایین نقاشی می‌بینیم. «در زمینه دوردست تصویر منظره کوه و تک درخت تنومند جلب نظر می‌کند. و در پشت کوه‌ها خانه‌ای دیده می‌شود که مردی داخل آن نشسته است.»<sup>۱</sup> توده درختان در پس زمینه نقاشی به عمق بیشتر کمک کرده است. همچنین خطوط عمیق اطراف سنگ‌ها و قلمگیری ضخیم در این نقاشی یادآور آثار بهزاد است. نقاشی‌های عبدالصمد آمیزه‌ای است از عناصر ایرانی، هندی و شاید اروپایی که طی سال‌های کاری او آشکار شدند. سبک او در نقاشی در روند شکل‌گیری مکتب گورکانی هند بی‌تأثیر نبوده است.

ت ۹: داماد افسار اسب را در دست دارد، عبدالصمد، ۱۵۸۰م، مرقع گلشن، شماره ۱۵۱، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

۱. کریم زاده تبریزی، محمدعلی. آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۳، ص ۳۳۴.



## آقا رضا

آقا رضا هنرمند ایرانی فعال در دربار «سلیم» (عنوان جهانگیر شاه قبل از پادشاهی سلیم بود) یکی از هنرمندان ماهر و به نام دربار صفوی بود که در سال ۱۵۸۰م به هند رفت<sup>۱</sup> و مستقیماً وارد کارگاه نقاشی سلیم شد. ابتدا در لاهور اقامت گزید. او خود را «مرید پادشاه سلیم» می‌نامید و اکثراً با همین عنوان امضا می‌کرد. در حدود دوازده اثر از آقا رضا با امضای او در مرقع گلشن دیده می‌شود. پادشاه سلیم به جمع‌آوری سبک‌های مختلف نقاشی از جمله شاهکارهای نقاشی ایرانی و سبک اولیه مغولی علاقمند بود. «او به آثاری گرایش داشت که توسط نقاشانی چون عبدالصمد و فرخ بیک و آقا رضا کار شده بود»<sup>۲</sup> و مجذوب هنر اروپا به خصوص باسمه‌های اروپایی بود. در سبک آقا رضا تکنیک و شیوه نقاشی اروپایی دیده می‌شود، او طی اقامتش در دربار گورکانیان به کپی‌برداری دقیق از باسمه‌های اروپایی مشغول بود. پس از چندین سال کار مداوم تکنیک او به واقع‌گرایی نزدیک‌تر شد و برای این منظور آگاهانه از سایه روشن در آثارش استفاده می‌کرد. پسر آقا رضا، ابوالحسن در هند متولد شد و در آنجا رشد کرد و در دربار جهانگیر به عنوان هنرمند و نقاش جوان پذیرفته شد.

امضای آقا رضا در حواشی مرقع گلشن دیده می‌شود. او نامش را معمولاً «مرید، بنده، شاگرد باوفا و صادق سلیم» رقم می‌زده و اغلب نام سلیم را در کنار نام خود آورده است. در مرقع شماره ۱۰۵ موجود در کاخ گلستان به خط «کاتب السلطانی» که فیگورها در اطراف حاشیه قرار دارند و به سبک اروپایی لباس پوشیده‌اند، در نهایت سادگی نوعی ظرافت و پختگی به همراه دارند و چنان در حاشیه تصویر شده‌اند که چشم بیننده به دنبال آن‌ها در کل صفحه حرکت می‌کند. تصاویر انتخابی او به نوعی با متنی که در مرکز آمده همخوانی دارد و امضای او را هم دارند.

در فیگور سمت چپ بالا، مرد ریشویی که قلم پر در دست دارد به روی طومار چنین می‌نویسد:

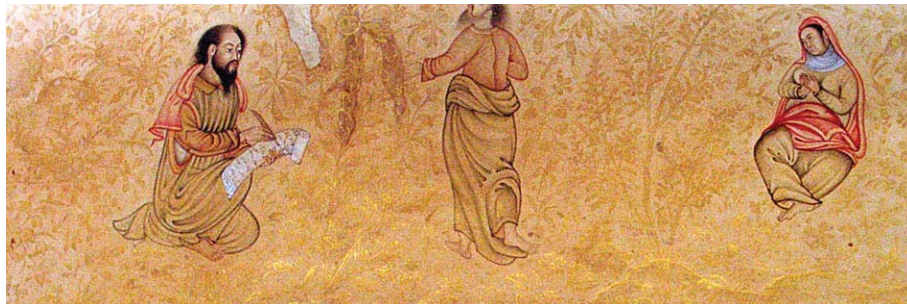
«شاه سلیم با اخلاص آقا رضای مصور در بلده اگره فی تاریخ بیست و هشتم رمضان سنه ۱۰۰۸» این دست‌نوشته نمایانگر آن است که: این اثر در اگره تهیه شده و پیش از جلوس جهانگیر بر تخت سلطنت بوده است. به گفته پروفیسور مایلوویچ، تاریخ یاد شده نشان می‌دهد که چنین اثری در سال ۱۶۰۰ میلادی در دربار جهانگیر مصور شده و صرفاً سفارش کار مرقع به دستور او بوده است.<sup>۳</sup>

۱. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، مقدمه، ص ۴۵.

۲. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی، آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۳، ص ۲۰۲.

۳. آتابای، بدری. فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، ۱۳۵۳، ص ۳۵۳.

سهم هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن... / نرگس صفرزاده



ت ۱۰: مرقع شماره ۱۰۵



ت ۱۱: خط کاتب السلطانی، امضا آقا رضا بر حاشیه، مرقع شماره ۱۰۵، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

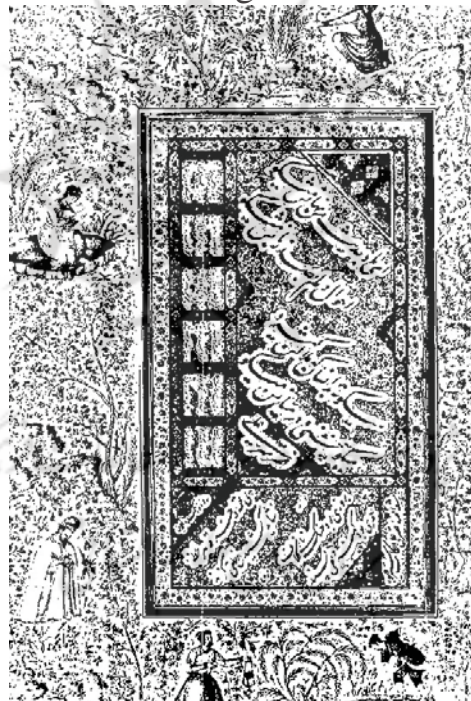
پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

سهام هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن.../ نرگس صفرزاده

در مرقع شماره ۲۹ در حاشیه تصویر، پنج فیگور در اطراف حاشیه دیده می‌شوند. مرد جوانی که در سمت چپ نشسته طوماری در دست دارد که چنین خوانده می‌شود:  
«شهبازده سلیم اکبر شاه از وی چو مهست جهان منور بنده با اخلاص آقا رضا»<sup>۱</sup>



ت ۱۲: مرقع شماره ۲۹



ت ۱۳: خط میر علی هروی، امضا آقا رضا بر حاشیه، مرقع شماره ۲۹، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

۱. آتابای، بدری. فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، ۱۳۵۳، ص ۳۵۳.

سهم هنرمندان ایرانی در خلق مرقع گلشن... / نرگس صفرزاده

نمونه سبک منظره‌پردازی آقا رضا در ترکیب‌بندی نقاشی زیر دیده می‌شود که طبیعت با انبوه درختان و تپه‌ها مصور شده است. نقاش، پادشاه سلیم را به همراه باقی ملازمان به تصویر کشیده است که در کوهستان اسباب تفریح پادشاه را فراهم آورده‌اند. در متن وسط صفحه چنین نوشته شده است: «آقا رضا مرید با اخلاص عمل نادرالزمانی جمعه دهم ماه ربیع‌الاول پادشاه سلیم»<sup>۱</sup>



ت ۱۴: امضا آقا رضا بر حاشیه، مرقع شماره ۲۱۸، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۳)

پیام بهارستان / د ۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۱. آتابای، بدری. ص ۳۵۴.

در این نقاشی پنج فیگور در ترکیببندی قرار دارند، یکی از آنان شاهزاده جوانی است و شاهین سلطنتی را به همراه دارد. او در مرکز کادر واقع شده و مشغول گفت‌وگو با پیری (مرشدی) است که در مقابل او بر روی زانو قرار گرفته است. در قسمت پایین تابلو دو مرد قرار دارند که یکی مشغول نواختن است و دیگری شمشیری به کمر بسته و سگی به همراه دارد و به نظر می‌رسد نگهبان شاهزاده است. در سمت چپ تابلو، اسب آبی رنگی وارد صحنه می‌شود و آقا رضا در این ترکیببندی زیبا با کوچک نشان دادن فیگور بالا باعث پرسپکتیو بصری در اثرش شده است. در سمت راست نوشته شده:

عمل مرید باخلاص آقا رضا جهانگیر پادشاهی در سن شصت سالگی ساخته شد سنه ۱۰۳۰



ت ۱۵: مرقع شماره ۱۲۵۳۷ (برگی از مرقع گلستان)

لذا اگر تاریخ حرکت آقا رضا را یک سال قبل از خلق این اثر بدانیم یقیناً سال ورودش به هند حدود سال‌های ۱۰۰۷ خواهد بود. به وضوح او سن خود را در این کار آشکار ساخته است. به نوشته خود او تاریخ تولدش ۹۷۰ هجری بوده و ما با مقایسه آثار او می‌توانیم سن واقعی او را به هنگام ورود ۳۷-۳۸ سال بدانیم.<sup>۱</sup>



ت ۱۶: در محضر پیر، امضا آقا رضا، ۱۰۳۰ قه، مرقع شماره، ۱۲۵۳۷ برگی از مرقع گلستان، (کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۱۶۶۴)

۱. کریم‌زاده تیریزی، محمدعلی. آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۳، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

آقا رضا در تعلیم نقاشی و ترسیم آثار خودش از عناصر اروپایی الگوبرداری می‌کرد. او ضمن استفاده آگاهانه از عناصر ایرانی از تکنیک و سبک اروپایی نیز بهره می‌گرفت. در این بین نه تنها فرزندش ابوالحسن بلکه نادره بانو و میرزا غلام نقاش در مقام شاگردی او، چنین روشی را در پیش گرفتند. از دیگر شاگردان آقا رضا، بانوی نقاشی به نام نادره بانو وجود دارد که خود را شاگرد آقا رضا معرفی می‌کند و سبک نقاشی اروپایی در کارش کاملاً مشهود است، که شاید به ترغیب استادش چنین می‌کرده است. دو عدد از آثار نادره بانو در مرقع گلشن موجود است که امضای «عمل نادره بانو بنت میر تقی شاگرد آقا رضا» دارند و در برگ دیگر آمده «بنده پادشاه سلیم عمل نادره بانو شاگرد رضا دختر میر تقی» که معلوم می‌شود او نیز در برابر سلیم بوده است. از او اثر دیگری یافته نشده و دقیقاً معلوم نیست او چه مدت نقاشی می‌کرده است؟

### منابع

۱. مجرد تاکستانی، اردشیر. راهنمای نقاشی و کتاب آرایی در ایران، آستانه مقدس حضرت معصومه، چاپ اول، قم، ۱۳۷۲.
2. Beach, Milo. Cleveland, *the Grand Mughal: Imperial Painting in India 1600-1660*, Williamston, MA. Sterling and Francine Clark Art Institute, 1978.

